

نقش معلمان در مقابله با تهدیدهای نرم (از نگاه آیات قرآنی و روایات)

نویسنده: شعبانعلی رمضانیان^۱

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۲/۱۰

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۲/۳/۲۵

فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال شانزدهم، شماره ۵۸، بهار ۱۳۹۲

چکیده

در شرایطی که دشمنان همه‌مساعی خویش را برای ناکامی انقلاب اسلامی به کار گرفته‌اند و سعی دارند در کنار دیگر روشها، با تکیه بر تهدیدهای نرم و اقدامات متعدد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... نگذارند انقلاب اسلامی موفق شود و اهدافش را محقق کند؛ واكوی نقش معلمان در مقابله با تهدیدهای نرم از نگاه قرآن کریم و روایات، هدف این مطالعه قرار گرفت. با روش کتابخانه‌ای و بررسی اسناد، اطلاعات مورد نیاز گردآوری شد و با شیوه تفسیری، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. بر اساس آیات و روایات، ۱۲ نقش (از جمله جدا نشدن از مردم، رفتن به داخل مردم و دست نکشیدن از هدایت آنها به سمت خدا، دوستی با مردم و خوبی به آنها بدون در نظر گرفتن حال آنها، خیرخواهی و یکرنگی با مردم، راهنمایی مردم به کار خوب و...) برای معلمان در مقابله با تهدید نرم شناسایی شد. در ادامه، با دستیابی به نوع نقشهای این قشر، برخی از الزامات اجرایی آن نیز استخراج شد که رو کردن به قرآن کریم در زمان فتنه، نترسیدن از غیر خدا، سستی نکردن در اجرای فرمان، فهم دقیق از دین، همه‌سونگری و احاطه کامل به دین، غافل نماندن از دشمن و... از جمله آنهاست.

واژگان کلیدی:

معلم، تهدید، تهدید نرم، قرآن کریم.



مقدمه

قرآن مجید، کتابی است آسمانی که در گذر زمان هرگز دچار تغییر یا کاستی و فزونی نشده است. آنچه در آن است از سوی خداوند یکتا بر حضرت محمد(ص) نازل شده و هدف آن، خروج انسان و نیروهای انسانی از وادی جهل و غفلت و راهنمایی او به سوی نور و تعالی و تکامل است: «هو الذی ینزل علی عبده آیات بینات لیخرجکم من الظلمات الی النور...» (حدید: ۹)؛ او کسی است که آیات روشنی بر بنده اش (محمد(ص)) نازل می‌کند تا شما را از تاریکی‌ها به سوی نور ببرد. قرآن کتاب خداست و فلسفه وجودی آن، ایجاد آگاهی، حرکت، نجات مردم، استقرار عدالت، آزادی معنوی، رهبری اجتماعی و تکامل بشر است. محتوای قرآن کریم به اندازه‌ای عمیق و پرمایه است که جز پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت(ع)، هیچ مغز متفکری توان درک همه حقایق آن را ندارد. این کتاب الهی، سفره پهن و گسترده معارف آسمانی است که همه تشنگان علم و دانش را سیراب و سرشار می‌کند. قرآن علاوه بر راهنمایی به سرمنزل مقصود و هدایت به سوی کمال، همزمان پیروان خود را از موانع و آسیبها نیز آگاه می‌کند. قرآن فقط ترسیم‌کننده شرایط کمال نیست؛ به آسیبها و چالشهای پیش رو که ممکن است وصول به کمال را به مخاطره اندازد نیز پرداخته است و رهروان خود را نسبت به آنها آگاه و وظایفشان را نیز بیان می‌کند. بنابر این، اگر تهدید را یکی از مخاطرات بشر در طول زندگی در نظر بگیریم، می‌بایست با توجه به مفهوم و ویژگی‌های آن، راه برون‌رفت و چگونگی مقابله با آن، در قرآن بیان شده باشد. از این رو، این نوشتار در نظر دارد با توجه به جنبه‌های نظری تهدید، نقش معلمان را از منظر قرآن کریم و روایات، مورد مطالعه قرار دهد و بر اساس ویژگی‌های تهدید، کارویژه مورد انتظار از این قشر جامعه را در منطق قرآن کریم و روایات بررسی کند.

در شرایطی که قدرتهای استکباری همه مساعی خود را برای ناکامی انقلاب اسلامی به کار گرفته‌اند و سعی دارند در کنار دیگر روشها، با تکیه بر تهدیدهای نرم و اقدامات متعدد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... نگذارند انقلاب اسلامی موفق شود و اهدافش را محقق کند، واکاوی عناصر قدرت نرم جمهوری اسلامی یک ضرورت است و معلمان به عنوان یکی از مهم‌ترین اقشار جامعه، به واسطه علم و آگاهی و تعهد و مسئولیت‌پذیری، از دیگران مقدم‌ترند و نسبت به سایر اقشار نیز مسئولیت بیشتری پیدا می‌کنند. لذا نقش آنان در جهت مقابله با تهدید نرم، امر بسیار مهمی است که می‌بایست وجهه همت همه، به‌ویژه خود آنان قرار گیرد.



اهمیت نقش معلمان در عرصه‌های مختلف به ویژه در مقابله با تهدیدهای نرم، در حالی است که تا کنون کار علمی همه‌جانبه و اقدام در خور توجهی در این خصوص صورت نگرفته و تحقیق حاضر (با این موضوع) در نوع خود، نخستین اقدام است. لذا انجام این مطالعه از جهت نو بودن و از این جهت که نقش معلمان را از نگاه قرآن و روایات ارائه می‌کند و به نیاز ضروری انقلاب اسلامی در این دوره پاسخ می‌دهد، اهمیت و ضرورت می‌یابد. بر این اساس، سؤال اساسی تحقیق عبارت است از اینکه: قرآن کریم و روایات در جهت مقابله با تهدیدهای نرم، چه نقش یا نقشهایی برای معلمان قائلند؟

نوع تحقیق، کاربردی- توسعه‌ای و روش آن، توصیفی- تبیینی است که با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و بررسی اسناد، اطلاعات مورد نیاز گردآوری شد و با شیوه تحلیل کیفی، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. با توجه به مفهوم تهدید نرم- هم از زاویه ابزار و هم از زاویه اهداف- نقش معلمان در آیات و روایات جستجو شد و آیات و روایاتی که به نوعی بیانگر انتظار از این قشر است، به روش ذیل استخراج شد و به کمک آن، نقشها به دست آمد:

۱. موضوع‌شناسی؛ نخست با توجه به تعریف تخصصی موضوع (تهدید نرم)، تلقی رایج از تهدید و تهدید نرم و خصوصیات و ویژگی‌های آن روشن شد.
۲. یافتن مدخل قرآنی و روایی؛ پس از تبیین دقیق موضوع، با مراجعه به آیات قرآن کریم و روایات، انتظارات و توقعات بیان شده، استخراج شد.
۳. یافتن ساختار حاکم بر مطالب؛ با مرتب کردن مصادیق انتظارات و توقعات (ساخت افقی)، مشخص شد که راجع به موضوع، چه مطالبی در کجا آمده است. سپس (در ساخت عمودی) به تعیین میزان تکرار و تأکید بر موضوعات در آیات و روایات پرداخته شد.
۴. تحلیل معنایی آیات و روایات؛ شامل ترتیب مطالب، تعیین منطق حاکم بر مطالب، تعیین ویژگی‌های برشمرده شده برای هر مصداق و تفکیک نقشها از الزامات.
۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.

مبانی نظری و مفهومی

۱. نقش اجتماعی

نقش در دو مفهوم «فردی» و «اجتماعی» به کار می‌رود؛ ولی صاحب‌نظران اغلب به مفهوم اجتماعی آن می‌پردازند و از مفهوم «نقش اجتماعی» و انواع آن، تعاریف مختلفی ارائه می‌کنند. برخی بر این عقیده‌اند که «نقش، اعمالی است که هر فرد به مناسبت



پایگاههایی که در جامعه دارد، انجام می‌دهد. این پایگاههای اجتماعی او را موظف به انجام تکالیفی می‌کنند و وظایفی را بر عهده او می‌گذارند و همچنین به همان مناسبات، حقوق به او تعلق می‌گیرد و از مزایایی برخوردار می‌شود» (توسلی، ۱۳۸۰: ۳۰۵). به عقیده کوتو، نقش داشتن متوجه فردی است که عضو گروهی محسوب می‌شود. فرد در جامعه به گروههای اصلی و فرعی معین و محدودی تعلق دارد و از این رو، تعدادی پایگاه معین را اشغال کرده است (همان، ۳۰۶). بعضی دیگر از صاحب‌نظران، نقش را به عنوان نوع رفتار اجتماعی یک فرد، که طبق الگوهای کلی اجتماعی و فرهنگی گروه صورت می‌گیرد، مانند نحوه پاسخ به انتظار دیگران، تعریف می‌کنند. بنابر این، برای یک فرد، نقش اجتماعی تنسيق تعدادی از الگوهای رفتاری است که در تعامل با یکدیگرند و بر محور یک کارکرد اجتماعی گرد هم می‌آیند. (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۷۲۶-۷۲۴) در تعریفی دیگر، «نقش به آن رفتاری اطلاق می‌شود که دیگران از دارنده یک منزلت معین انتظار دارند. منزلت به پایگاه اجتماعی یک فرد در یک گروه یا به رتبه یک گروه در مقایسه با گروههای دیگر اطلاق می‌شود» (کونن، ۱۳۸۰: ۵۷). «اگر پایگاه، موقعیت ویژه‌ای باشد که شخص در جامعه یا گروه به دست می‌آورد، نقش نوعی رفتار است که با پایگاهها یا شغلهاى خاص جامعه ارتباط پیدا می‌کند» (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۷۲۲). برای مثال؛ معلمی، یک پایگاه است. وقتی از معلم توقع دارند که خوش‌برخورد باشد، خوب سخن بگوید و...؛ اینها نقشهای مورد انتظار از وی است. بنابر این، در این تحقیق، «نقش اجتماعی شامل رفتار، کردار یا کار و وظیفه‌ای است که یک شخص در داخل یک گروه به عهده می‌گیرد» (همان: ۷۲۳).

جامعه‌شناسان، نقشهای اجتماعی را تحت دو دسته کلی: (۱) نقش گزیده یا اختیاری، که تعیین و انتخاب و اختیار آن با فرد یا گروه و سازمان است و (۲) نقش واگذاری یا تحمیلی، که تعیین آن بر عهده فرد یا گروه و سازمان نیست، بلکه از سوی رأس هرم جامعه و شرایط و مقتضیات و الزامات آن، تفویض و ترسیم شده است تقسیم‌بندی می‌کنند.^۱

در نقش گزیده یا اختیاری، اغلب اراده آگاهانه صاحب نقش و در نقش تحمیلی، اراده قاهر (حاکم) جامعه مؤثر است. گاهی افراد هر دو نقش را یکجا بر عهده دارند؛ مثل نقش استاد برابر دانشجو، که می‌تواند مبتنی بر علم، نفوذ کلام و قدرت اخلاقی و معنوی او نیز باشد که شوق دانایی و علم‌آموزی دانشجو از نقش گزیده استاد نشئت می‌گیرد. (بیرو، ۱۳۶۷: ۳۷۸-۳۷۷)

۱. بعضی از صاحب‌نظران از عنوان «نقش محول» و «نقش محقق» یا اکتسابی استفاده می‌کنند. (ر.ک: قنادان و همکاران، ۱۳۷۵: ۱۳۲-۱۳۱)



مشخصه‌های اصلی نقشهای اجتماعی عبارتند از:

۱. نقشهای اجتماعی پدیده‌هایی نه فردی، بلکه دقیقاً جمعی‌اند؛
۲. در هر جامعه و هر زمان، گروه‌های اجتماعی نقشهای ویژه‌ای بر عهده دارند. پویایی هر جامعه را می‌توان از دگرگونی نقشهای آنان سنجید؛
۳. هر نقش با انتظاری خاص از جانب دیگران همراه است و عدم ایفای درست آن نقش، موجبات تعجب دیگران را فراهم می‌سازد؛
۴. تعدد نقشهای انسان در همه جوامع وجود داشته است؛ اما جامعه جدید با تعدد مشاغل، بر شمار نقشها افزوده است؛
۵. تنوع نقشها، امری طبیعی و بر گوناگونی پایگاههای اجتماعی استوار است. (آراسته‌خو، ۱۳۸۱: ۲۸۷)

۲. تهدید نرم

تهدید در لغت، بیان و قصد آسیب رساندن، نابود یا تنبیه کردن دیگران از روی انتقام یا ارباب یا نشان دادن خطر، آسیب و شرارت قریب‌الوقوع مانند جنگ تعریف شده است (افتخاری، ۱۳۸۰: ۴۸-۴۰). لرنر، تهدید را عبارت از هر چیزی که بتواند ثبات و امنیت را در یک کشور به خطر اندازد، دانسته و معتقد است: تهدید، منافع ملی را هدف قرار می‌دهد. مفهوم تهدید در نگرش سیستمی، عدم تعادل در سیستم بیان شده است؛ یعنی عاملی که اجازه نمی‌دهد سیستم به هدف خویش برسد. در برخی از متون نیز تهدید به معنای توانایی‌ها، نیت و اقدامات دشمنان بالفعل و بالقوه برای ممانعت از دستیابی خودی به مقاصد امنیت ملی، تعریف شده است. (مرادیان، ۱۳۸۵: ۶۵)

در بحث تهدید نرم دو دیدگاه وجود دارد. دیدگاه اول، تهدید نرم را عبارت از مجموعه تهدیدهایی می‌داند که توسط ابزارهای رسانه‌ای و ارتباطاتی تولید می‌شود و دیدگاه دوم، کاری به ابزار ندارد، اهداف را مد نظر می‌گیرد و مجموعه تهدیدهایی را که بر روی ارزشها و هنجارها تأثیر می‌گذارند، تهدید نرم به حساب می‌آورد (افتخاری، ۱۳۸۸: ۳). تهدید نرم با دو معیار اساسی، از تهدیدهای سخت بازشناخته می‌شود. معیار نخست، غیر خشونت‌آمیز بودن روش تهدید و معیار دوم، نرم‌افزاری بودن پیامد تهدید است. بنابر این، چنانچه تهدیدی از سوی عامل آن به روش غیر خشونت‌آمیز اجرا شود و پیامدهای ناشی از آن نیز نرم‌افزاری باشد، تهدید نرم نامیده می‌شود (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۶: ۱۰۰-۶۸). تهدید نرم در هر بُعد و شکل، یک هدف اساسی را دنبال می‌کند که عبارت است از: «تحمیل اراده بر حریف». اگر قرار است بر رفتار حریف تأثیرگذاری شود، بهترین راه، تأثیرگذاری بر «افکار»



اوست. تهدید نرم، دو «پیکارگاه» دارد: یکی، قلب و دیگری، مغز. تصرف «قلبها و مغزها» یا تصرف دلها و ذهنها، هدف منازعات نرم است. در تهدید نرم، عامل تهدید به دنبال فراهم کردن الگوهای اقناعی است و تلاش می‌کند مخاطب را به گونه‌ای تحت تأثیر قرار دهد که ترجیحات و اولویتهای خود را مطابق خواسته‌های عامل تهدید فهم و درک کند. (نای، ۱۳۸۳: ۱۴۹)

تهدید نرم نیز مانند تهدید سخت، دارای ابعاد مختلفی از جمله: نظامی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و... است که تجلی تهدید نرم در ابعاد اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، نسبت به سایر ابعاد بیشتر و از اهمیت بیشتری نیز برخوردار است (بوزان، ۱۳۷۸: ۸۵). تهدیدهای نرم به طور عمده، یک‌سری اهداف اصلی و اساسی دارند. مهم‌ترین هدف تهدید نرم، متقاعد کردن هر چه بیشتر مردم برای عدم حمایت از نظم موجود به واسطه مخالفت فعالانه یا رد برخورد منفعلانه است. آگاهی دادن به مردم درباره جنبشهای مبتنی بر روشهای غیر خشونت‌آمیز و درک تحلیلها یا جایگزینی‌های آن یا ایجاد حرکت در افراد بی‌تفاوت، از جمله اهداف اصلی اعمال تهدید نرم است. (گروه مطالعاتی دانشکده امنیت ملی، ۱۳۸۸: ۱۲۷-۱۲۵)

روشهای اعمال تهدید نرم شامل دو دسته روش کلی گفتاری و رفتاری است. روشهای گفتاری، شامل دیپلماسی عمومی، عملیات ادراکی، عملیات روانی و فریب و روشهای رفتاری، شامل اعتراض، عدم همکاری، مداخله غیر خشونت‌آمیز، تشجیع و جذب و جنگ رایانه‌ای است. (آشنا، ۱۳۸۴: ۱۵)

ابزارهای اعمال تهدید نرم به چند گروه قابل تقسیم‌اند؛ بخشی متکی به رسانه‌های سایبری، برخی بر رسانه‌های نوشتاری، برخی بر رسانه‌های دیداری و شنیداری و برخی دیگر بر سازمانها و تشکلهای متکی‌اند. (همان: ۱۳۳-۱۳۲)

با توجه به توضیحات پیش‌گفته، تهدید نرم عبارت است از: «مجموعه مخاطرات (تهدیدها) نسبت به منفعت»، که توسط ابزارهای رسانه‌ای و ارتباطاتی تولید می‌شود و هدف آن، تأثیرگزاری بر روی ارزشها و هنجارهای جامعه است و تلاش می‌کند مخاطب را به گونه‌ای تحت تأثیر قرار دهد که ترجیحات و اولویتهای خود را مطابق خواسته‌های عامل تهدید، فهم و درک کند. (نای، ۱۳۸۳: ۱۴۹؛ افتخاری، ۱۳۸۸: ۲)

۳. ویژگی‌ها و قابلیت‌های معلمان

معلمان از یک سو عالماند و با بحث و درس و... سروکار دارند و از سوی دیگر، در جامعه حضوری مؤثر دارند. در قرآن کریم به طور مستقیم به واژه «معلم» و «تعلیم» اشاره نشده، ولی به اهمیت علم پرداخته شده و به همین واسطه، نگاه



به عالم و معلم هم قابل احصاست. از منظر قرآن، عالم به عنوان قشر فرهیخته جامعه، با غیر عالم برابر دانسته نشده است: «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (زمر: ۹)؛ آیا آنهایی که می‌دانند و آنهایی که نمی‌دانند برابرند (یکسانند)؟! در جایی دیگر می‌فرماید: «هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ» (انعام: ۱۵۰؛ رعد: ۱۶؛ فاطر: ۱۹)؛ آیا کور و بینا برابرند (یکسانند)؟!

همین معنا در آیات دیگر نیز آمده است: «وَوَضَعْنَا الْقُرْآنَ فَهْمًا فَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ هَلْ يُعْلَمُونَ» (نحل: ۷۶)؛ و خداوند مثال می‌زند دو مرد را تصور کنید که یکی از آنها گنگ مادرزاد است و قادر بر هیچ کاری نیست و سربار مولای خود است! او را دنبال هر کاری می‌فرستد، هیچ چیزی به همراه نمی‌آورد، مساوی است با آن کس که زبان گویایی دارد و مرتباً به عدل و داد دعوت می‌کند و بر جاده صاف و راه راست قرار دارد؟ یا: «وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَلَا الْمُسِيءَ قَلِيلًا مَا تَتَذَكَّرُونَ» (مؤمن: ۵۸)؛ نابینا و بینا هرگز مساوی نیستند و همچنین کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام داده‌اند با بدکاران یکسان نخواهند بود (اما شما) کمتر متذکر می‌شوید.

در روایات و کلام ائمه معصومین (ع) نیز به جنبه‌های مختلف این تمایز و تفاوت، اشاره شده است؛ پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: «الْعَالِمُ بَيْنَ الْجَهْلِ كَالْحَيِّ بَيْنَ الْمَوْتِ»؛ عالم در میان جاهلان، همچون زنده‌ای است در میان مردگان (لواسانی، ۱۳۷۴: ۴۲) و اگر عالم به علم و دین خود عمل نکند، به خطرناک‌ترین و وحشتناک‌ترین عنصر جامعه بدل می‌شود. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «أَنَّ أَخَوَفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمُ الْأَثَمَةَ الْمُضَلُّونَ»؛ وحشتناک‌ترین چیزی که از آن برای شما می‌ترسم، پیشوایان گمراه کننده‌اند. (التمیمی، ۱۳۶۰: ۹۱۵). امام صادق (ع) می‌فرماید: «الْدَّاعِيَ لَا عَمَلَ كَالرَّمِي بِلَا وَثَرٍ»؛ گوینده‌ای که به گفته‌اش عمل نمی‌کند همچون تیراندازی است که کمان و سلاحش زه و ماشه ندارد. (لواسانی، ۱۳۷۴: ۱۹۲)

به استناد آیات و روایات و به اعتبار آگاهی و علم معلمان، در همه حال انتظار و توقع از آنها زیاد است و در شرایط سخت، توقعات و انتظارات افزایش پیدا می‌کند. با یک بررسی اجمالی در آیات و روایات، به چند دسته توقع و انتظار برمی‌خوریم که هر کدام از آنها می‌توانند بیانگر نقش و وظیفه معلم در دوران تهدید نرم باشند: **دسته اول: آیات و روایاتی که وجود افرادی (عالم) به عنوان هدایتگر و هشدار**

دهنده در هر جامعه را ضروری می‌نمایند؛



قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» (توبه: ۱۲۲)؛ و مؤمنان را نرسد که همگی رهسپار (میدان جهاد) شوند. پس چرا از هر جمعیتی از آنان، گروهی کوچ نمی‌کنند تا دین پژوهی کنند و مردم خود را آنگاه که به سوی آنها بازگشتند، هشدار دهند! باشد که پروا پیشه کنند.

در فرازی دیگر می‌فرماید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران: ۱۰۴)؛ و باید از شما گروهی دعوتگر به خیر باشند که فرمان دهند و از زشتی بازدارند و آنان، همان رستگاراند. مولای متقیان علی(ع) در همین رابطه فرمودند: «اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا بُدَّ لَكَ مِنْ حُجَجٍ فِي أَرْضِكَ، حُجَّةٌ بَعْدَ حُجَّةٍ عَلَى خَلْقِكَ، يَهْدُونَهُمْ إِلَى دِينِكَ وَ يَعْلَمُونَهُمْ عِلْمَكَ كَيْ لَا يَتَفَرَّقَ أَتْبَاعِ أَوْلِيَائِكَ؛ خدایا ضرورت است که در زمین تو حجت‌هایی باشد که یکی پس از دیگری بر خلقت فرود آیند، تا آنها را به دینت هدایت سازند و علم تو را به آنها فرا دهند تا بدین طریق، موالیان تو را از تفرقه و پراکندگی نجات دهند». (کلینی، ۱۴۰۱: ۳۹۲-۳۳۹)

حجت غایب، حضرت قائم آل محمد(عج) فرموده‌اند: «وَأَمَّا الْخَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا إِلَى رِوَايَةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ؛ در امور مستحدثه طبق حدیث، به علما مراجعه کنید که آنها حجت من بر شمایند و من حجت خدا بر آنها». (طوسی، ۱۳۶۳: ۱۷۷)

پیامبر خدا(ص) فرمودند: «لِكُلِّ شَيْ عِمَادٌ، وَ عِمَادُ هَذَا الدِّينِ الْفُقَهَاءُ؛ هر چیزی را تکیه‌گاهی است و تکیه‌گاه این دین، فهم دقیق است» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۱۶) و هم ایشان فرمودند: «لَيْسَ يَقُومُ بِدِينِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ حَاطَهُ مِنْ جَمِيعِ جَوَانِبِهِ؛ تنها آن کس می‌تواند برای (یاری) دین خداوند قیام کند که از همه سو به آن احاطه داشته باشد». (مصری، ۱۴۱۲: ۳۸۹)

دسته دوم: آیات و روایاتی که به ضرورت خیرخواهی و هدایت مردم تأکید دارند؛
در حدیثی آمده است: «روایت شده است که داوود(ع) تنها به صحرا رفت. خداوند به او وحی فرمود: ای داوود! چه شده است که تو را تنها می‌بینم؟ گفت: خدایا شوق دیدار تو در جانم شدت گرفته و خلق تو میان من و تو حائل گشته‌اند. خداوند به او وحی فرموده بود: به میان آنان برگرد؛ زیرا اگر تو یک بنده گریزپا را نزد من بیاوری، تو را در لوح، با صفت ستوده ثبت می‌کنم». (کلینی، ۱۴۰۱: ۲۸)

رسول خدا(ص) می‌فرماید: «رَأْسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ التَّوَدُّدُ إِلَى النَّاسِ،



وَاصْطِنَاعُ الْخَيْرِ إِلَى كُلِّ بَرٍّ وَ فَاجِرٍ؛ اوج خرد، پس از ایمان به خدا، دوستی با مردم و خوبی کردن به هر آدم نیک و بد است». (شیخ صدوق، ۳۸۱: ۳۵)

در همین رابطه امام علی (ع) فرموده‌اند: «التَّصِيحَةُ مِنَ اخْلَاقِ الْكِرَامِ؛ خیرخواهی [ویکرنگی] از خصلتهای بزرگواران است». (التیمی، ۱۳۶۰: ۱۲۹۸)

و باز رسول خدا(ص) می‌فرمایند: «الدَّالُّ عَلَى الْخَيْرِ كَفَاعِلِهِ؛ کسی که به کار خوب راهنمایی کند، مانند کسی است که آن را انجام داده است». (کلینی، ۱۴۰۱: ۲۷)

پیامبر خدا(ص) می‌فرمایند: «مَنْ قَادَ ضَرِيرًا أَرْبَعِينَ خُطْوَةً عَلَى أَرْضٍ سَهْلَةٍ، لَا يَفِي بِقَدْرِ إِبْرِهِ مِنْ جَمِيعِهِ طِلَاعُ الْأَرْضِ ذَهَبًا، فَإِنْ كَانَ فِيهَا قَادَهُ مَهْلَكَةً جَوَّزَهُ عَنْهَا وَجَدَ ذَلِكَ فِي مِيزَانِ حَسَنَاتِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَوْسَعَ مِنَ الدُّنْيَا مِائَةَ أَلْفِ مَرَّةٍ؛ هر کس نابینایی را در دشتی چهل قدم راه برد، اگر همه زمین پر از طلا شود او به او داده شود، به اندازه سوزنی پاداش این کار او داده نشده است و چنانچه او را از خطری که بر سر راهش قرار داشته باشد، بگذارند، روز قیامت این کار در ترازوی حسنات او صد هزار بار بزرگ‌تر از دنیا باشد». (همان: ۵۵)

دسته سوم: آیات و روایاتی که به فتنه و وظیفه مؤمنان در آن زمان اشاره دارند؛ پیامبر خدا(ص) فرمودند: «دَعِ مَا يَرِيْبُكَ إِلَى مَا لَا يَرِيْبُكَ؛ فَمَنْ رَعَى حَوْلَ الْحِمَى يُوشِكُ أَنْ يَقَعَ فِيهِ؛ آنچه را که به شبههات می‌اندازد، ترک کن و آنی را به کار بند که برایت شبهه‌انگیز نیست؛ زیرا کسی که پیرامون منطقه قرق شده بچراند، در آستان وارد شدن به قرقگاه قرار دارد» (فراس، ۶۰۵: ۵۲) و در بیانی دیگر فرمودند: «دَعِ مَا يَرِيْبُكَ إِلَى مَا لَا يَرِيْبُكَ؛ فَإِنَّكَ لَنْ تَجِدَ قَفْدَ شَيْءٍ تَرَكَتَهُ اللَّهُ؛ آنچه به شبههات می‌اندازد، فروگذار و آنچه موجب شبهه برایت نمی‌شود، به کار بند؛ زیرا فقدان چیزی را که برای خدا فرو گذاشته‌ای، هرگز حس نخواهی کرد». (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۶۰)

پیامبر خدا(ص) فرمودند: «مَا اخْتَلَفَتْ أُمَّةٌ بَعْدَ نَبِيِّهَا إِلَّا ظَهَرَ أَهْلُ بَاطِلِهَا عَلَى أَهْلِ حَقِّهَا؛ هیچ امتی پس از پیامبرش دچار اختلاف نشدند، جز آنکه باطل‌گرایان بر رهروان حقیقت غلبه کردند». (طبرانی، ۱۴۱۵: ۳۷۰)

قرآن کریم می‌فرماید: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (یوسف: ۱۰۸)؛ بگو: این راه من است که من و هر کس که پیرو من است، با بصیرت و بینایی به سوی خدا دعوت می‌کنیم؛ و خدا منزه است و من از مشرکان نیستم.

رسول خدا(ص) فرمودند: «مَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ هُوَ خَلِيفَةُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ، وَ خَلِيفَةُ كِتَابِهِ، وَ خَلِيفَةُ رَسُولِهِ؛ کسی که امر به معروف و نهی از منکر کند، جانشین خدا در روی زمین و جانشین کتاب او و جانشین پیامبر اوست». (هندی، ۱۳۹۷: ۷۵)



وصیت امام علی (ع) بعد از ضربه ابن ملجم به حسنین (ع) این است که: «لا تُتْرَكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَيُؤَلَّى عَلَيْكُمْ شِرَارُكُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يُسْتَجَابُ لَكُمْ؛ امر به معروف و نهی از منکر را رها نکنید که در این صورت، بدان شما زمام امورتان را به دست می‌گیرند و آنگاه هر چه دعا کنید، مستجاب نخواهد شد.» (دشتی، ۱۳۸۶: ۴۷)

پیامبر خدا (ص) می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَيُبْغِضُ الْمُؤْمِنَ الضَّعِيفَ الَّذِي لَا زَبْرَ لَهُ، وَ قَالَ: هُوَ الَّذِي لَا يَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ؛ خداوند- تبارک و تعالی- مؤمن ضعیفی را که هیبت و صلابت ندارد، دشمن می‌دارد. سپس فرمودند: او (مؤمن ضعیف) کسی است که نهی از منکر نمی‌کند.» (شیخ صدوق، ۱۳۶۱: ۳۴۴)

امام باقر (ع) می‌فرماید: «أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى شُعَيْبِ النَّبِيِّ: إِنِّي مُعَذِّبٌ مِنْ قَوْمِكَ مِائَةَ أَلْفٍ: أَرْبَعِينَ أَلْفًا مِنْ شِرَارِهِمْ وَ سِتِّينَ أَلْفًا مِنْ خِيَارِهِمْ. فَقَالَ يَا رَبِّ، هُوَ لَاءِ الْأَشْرَارِ، فَمَا بَالُ الْأَخْيَارِ؟ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ: دَاهَنُوا أَهْلَ الْمَعَاصِي فَلَمْ يَغْضَبُوا لِعُضْبِي؛ خدای تعالی به شعیب پیامبر وحی فرمود: صد هزار نفر از مردم تو را عذاب خواهم کرد: چهل هزار نفر از بدکاران و شصت هزار نفر از نیکانشان را. شعیب گفت: پروردگارا! بدکاران سزاوارند، اما نیکان چرا؟ خداوند به او وحی فرمود: آنان با گنهکاران سازش کردند و به خاطر خشم من، به خشم نیامدند.» (طبرسی، ۱۴۱۸: ۱۰۴)

دسته چهارم: آیات و روایاتی که بیانگر وظیفه عالمان در زمان فتنه‌اند؛

امام علی (ع) می‌فرماید: «لَوْ لَمْ يَنْهَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ عَنْ مَحَارِمِهِ لَوْجَبَ أَنْ يَجْتَنِبَهَا الْعَاقِلُ؛ اگر خدای سبحان [هم] از نارواها نهی نمی‌کرد، بر خردمند لازم بود که از آن دوری کند.» (التمیمی، ۱۳۶۱: ۷۵۹۵). در بیانی دیگر فرمودند: «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ، وَلْيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ، وَ مَعْلَمٌ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنَ مَعْلَمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ؛ هر که خود را در مقام پیشوایی مردم قرار دهد، باید پیش از تعلیم دیگران، به تعلیم خود بپردازد و پیش از آنکه با زبانش تربیت کند، با رفتار خود، تربیت کند و کسی که آموزگار و مربی خود باشد، بیشتر سزاوار بزرگداشت است تا کسی که [پیش از خودسازی] آموزگار و مربی دیگران باشد.» (دشتی، ۱۳۸۹: ۷۳)

در حدیثی پیامبر خدا (ص) فرمودند: «إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ؛ فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ؛ هر گاه در امت من بدعتها آشکار شدند، بر دانشمند است که دانش خود را آشکار سازد و هر که این کار را نکند، نفرین خدا بر او باد.» (کلینی، ۱۴۰۱: ۵۴)



الغيبه به نقل از یونس بن عبدالرحمان می گوید: امام صادق (ع) فرمودند: «إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فَعَلَى الْعَالِمِ أَنْ يُظَهِّرَ عِلْمَهُ، فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ سَلَبَ نَوْرَ الْإِيمَانِ؛ از امامان راستگو برای ما روایت شده است که فرموده‌اند: هر گاه بدعتها سر بردارند، عالم باید دانش خود را آشکار سازد و اگر چنین نکند، نور ایمان از او سلب می‌شود.» (طوسی، ۱۴۱۱: ۶۴)

در قرآن کریم می‌فرماید: «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَ يَخْشَوْنَهُ وَ لَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ» (احزاب: ۳۹)؛ [پیامبران الهی] همان کسانی هستند که پیامهای خدا را ابلاغ می‌کنند و از هیچ کس جز خدا بیم ندارند.

امام صادق (ع) می‌فرماید: «يَا كُمْ وَالْتَهَاؤُنْ بِأَمْرِ اللَّهِ؛ فَإِنَّ مَنْ تَهَاؤَنَ بِأَمْرِ اللَّهِ أَهَانَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ مبدا در اجرای فرمان خدا سستی کنید که هر کس در اجرای فرمان خداوند سستی روا دارد، خداوند در روز رستاخیز، او را خوار گرداند.» (برقی، ۱۴۱۳: ۱۸۱)

امام علی (ع) فرمودند: «جَمَاعُ الْغُرُورِ فِي الْإِسْتِنَامَةِ إِلَى الْعَدُوِّ؛ فَرِيبٌ خُورِدُنْ كَامِلٌ، دَرِ غَافِلٌ مَانِدُنْ أَزِ دَشْمَنِ اسْت.» (التمیمی، ۱۳۶۱: ۴۷۷۵). امام علی (ع) در حکمت‌های منسوب به ایشان فرموده است: «أَقْتُلِ الْأَشْيَاءَ لِعَدُوِّكَ إِلَّا تَعَرَّفَهُ أَنْتَ اتَّخَذَتْهُ عَدُوًّا؛ كَشْنَدَةَ تَرِيبٌ لِحِيزِهَا لِأَمْرِ دَشْمَنَتِ أَنْ اسْتِ كِهْ بِهْ وَیْ نَفْهَمَانِي كِهْ أَوْ رَا دَشْمَنِ كَرَفْتِهْ أِي. وَ دَرِ بِيَانِي دِيْكَرِ فَرْمُودَنْدُ: «اسْتَعْمَلْ مَعَ عَدُوِّكَ مِرَاقَبَةَ الْإِمْكَانِ وَأَنْتِهَازَ الْفُرْصَةَ؛ تَطْفَرُ؛ دَرِ بَرُخُورِ دَرِ دَشْمَنَتِ، مِرَاقِبِ تَوَانِ وَ فَرِصَتِ مَنَاسِبِ بَاشِ تَا پِيروز شوی.» (همان: ۲۳۴۷)

دسته پنجم: آیات و روایاتی که به روش مواجهه با دشمنان (در زمان فتنه) می‌پردازند:

امام علی (ع) فرمودند: «مَنْ اسْتَصْلَحَ عَدُوَّهُ زَادَ فِي عَدَدِهِ؛ أَنْ كِهْ دَشْمَنَشِ رَا اَصْلَاحِ كَنْدِ، بَرِ جَمْعِيَّتِ خُودِ اَفْزُودِهْ اسْت.» (التمیمی، ۱۳۶۰: ۸۲۳۰)

در بیانی دیگر می‌فرماید: «مَنْ اسْتَصْلَحَ الْأَضْدَادَ بَلَغَ الْمُرَادَ؛ أَنْ كِهْ مَخَالِفَانِ رَا اَصْلَاحِ كَنْدِ، بِهْ مَقْصُودِ رَسَدِ.» (همان: ۸۰۴۳). «كَمَالُ الْحَزْمِ اسْتِصْلَاحُ الْأَضْدَادِ، وَ مُدَارَاةُ الْأَعْدَاءِ؛ كَمَالُ دُورَانْدِيْشِي، اَصْلَاحِ مَخَالِفَانِ وَ مُدَارَاةُ دَشْمَنَانِ اسْت.» (همان، ۷۲۳۲).

«الْإِسْتِصْلَاحُ لِلْأَعْدَاءِ بِحُسْنِ الْمَقَالِ وَ جَمِيلِ الْأَفْعَالِ أَهْوَنُ مِنْ مُلَاقَاتِهِمْ وَ مُغَالَبَتِهِمْ بِمَضِيضِ الْقِتَالِ؛ اَصْلَاحِ دَشْمَنَانِ بَا سَخْنِ نِيْكَ وَ رِفْتَارِ زِيْبَا، اَسَانِ تَرِ اسْتِ اَزِ رُوبَارُوبِي وَ پِيْكَارِ بَا اَنَانِ بَا (تَحْمَلِ) رَنْجِ نَبْرِد.» (همان: ۱۹۲۶)

دسته ششم: آیات و روایات مربوط به شیوه برخورد با مردم:

پیامبر خدا (ص) فرمودند: «إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أَمْرُنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ؛ مَا پِيَامْبِرَانِ فَرْمَانِ دَادِيْمِ كِهْ بَا مَرْدَمِ بِهْ اَنْدَازَهْ فِهْمَشَانِ سَخْنِ بَغُويِيْم.» (کلینی، ۱۴۰۱: ۲۳).

در بیانی دیگر می‌فرماید: «لَا تُحَدِّثُوا أُمَّتِي مِنَ أَحَادِيثِي إِلَّا بِمَا تَحْمِلُهُ عُقُولُهُمْ؛



سخنانی از من برای امتم نقل کنید که اندیشه آنها تحمل پذیرش آنها را داشته باشد». (هندی، ۱۳۹۷: ۲۴۲)

«یا بن عباس! لا تُحَدِّثْ حَدِيثًا لَا تَحْتَمِلُهُ عُقُولُهُمْ، فَيَكُونُ فِتْنَةً عَلَيَّهِمْ؛ ای ابن عباس! حدیثی مگو که عقلهای ایشان ظرفیت پذیرش آن را ندارد که آنان را دچار فتنه می کند». (همدانی، ۱۴۰۶: ۳۵۹)

«لا تُحَدِّثُوا النَّاسَ بِمَا لَا يَعْرِفُونَ؛ اَتَّحِبُّونَ أَنْ يُكَذَّبَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ؟! برای مردم حدیثی مگویید که نمی پذیرند. آیا دوست دارید که خدا و پیامبرش را تکذیب کنند؟!». (طوسی، ۱۴۱۱: ۲)

در همین رابطه امام علی (ع) فرمودند: «اَتَّحِبُّونَ أَنْ يُكَذَّبَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ؟! حَدِّثُوا النَّاسَ بِمَا يَعْرِفُونَ، وَ اَمْسِكُوا عَمَّا يُنْكِرُونَ؛ آیا دوست دارید که خدا و پیامبرش را تکذیب شوند؟! با مردم سخنی بگویید که بپذیرند و از آنچه نمی پذیرند، دست بکشید». (همان: ۱)

امام صادق (ع) فرمودند: «حَدِّثُوا النَّاسَ بِمَا يَعْرِفُونَ، وَ دَعُوا مَا يُنْكِرُونَ، اَتَّحِبُّونَ أَنْ يُسَبَّ اللَّهُ وَرَسُولُهُ؟! قَالُوا: وَ كَيْفَ يُسَبُّ اللَّهُ وَرَسُولُهُ؟! قَالَ: يَقُولُونَ إِذَا حَدَّثْتُمُوهُمْ بِمَا يُنْكِرُونَ: لَعَنَ اللَّهُ قَائِلَ هَذَا! وَ قَدْ قَالَهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ؛ با مردم سخنی بگویید که بپذیرند و آنچه را نمی پذیرند، وا نهید. آیا دوست دارید که به خدا و پیامبرش ناسزا گفته شود؟! گفتند: چگونه به خدا و پیامبرش ناسزا گفته می شود؟ فرمودند: چون چیزی به آنان بگویید که رد و انکار کنند، می گویند خداوند، گوینده این [سخن] را لعنت کند! در حالی که خدای و پیامبرش آن را گفته اند». (مغربی، ۱۳۸۹: ۶۰)

پیامبر خدا (ص) فرمودند: «مَنْ كَانَ أَمْرًا بِمَعْرُوفٍ فَلْيُكُنْ أَمْرُهُ ذَلِكَ بِمَعْرُوفٍ؛ کسی که به کار خوبی فرمان می دهد، باید شیوه و روش فرمان دادن او خوب و درست باشد». (قضای، ۴۵۴: ۲۸۵)

دسته هفتم: آیات و روایاتی که به مذمت گوینده بدون عمل می پردازند؛
در قرآن کریم می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ، كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ» (صف: ۳-۲)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! چرا چیزی را می گویید که به آن عمل نمی کنید؟! در نزد خدا بسیار مبغوض است که چیزی را بگویید که انجام نمی دهید.

امام علی (ع) فرمودند: «لَعَنَ اللَّهُ الْأَمْرِينَ بِالْمَعْرُوفِ الْتَارِكِينَ لَهُ، وَالنَّاهِيْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ الْعَامِلِينَ بِهِ؛ نفرین خدا بر کسانی که به خوبی فرمان می دهند و خود، آن را فرو می گذارند و بر کسانی که از زشتی بازمی دارند و خود، مرتکب آن می شوند!». (دستی، ۱۳۸۹: ۱۲۹)



رسول خدا(ص) فرمودند: «إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ الْإِثْمَةُ الْمُضَلُّونَ؛ وحشتناک ترین چیزی که از آن برای شما می ترسم، پیشوایان گمراه کننده اند». (شهید ثانی، ۱۴۱۵: ۱۳۷)

تجزیه و تحلیل معنایی و ساختار حاکم بر توقعات و انتظارات

در تهدید نرم، دشمن در نظر دارد با ابزارهای رسانه‌ای و ارتباطاتی، بر روی ارزشها و هنجارهای جامعه تأثیر بگذارد و مخاطب را به گونه‌ای تحت تأثیر قرار دهد که ترجیحات و اولویتهای خود را مطابق خواسته‌های عامل تهدید، فهم و درک کند(نای، ۱۳۸۳: ۱۴۹؛ افتخاری، ۱۳۸۸: ۲). راه مقابله در این شرایط، صیانت افکار است؛ یعنی باید با محافظت دلها و ذهنها (قلبها و مغزها) از اثرگذاری دشمن جلوگیری کرد و اجازه نداد تا دشمن دلها را تصرف و ارزشهایش را جایگزین ارزشهای خودی کند. لذا حسب تعریف ارائه شده از نقش ' و به استناد مطالب مطرح شده در بخش قبل، 'ملاحظه می‌شود که قرآن کریم و ائمه(ع) که در پی خروج انسان و نیروهای انسانی از وادی جهل و غفلتند و در صدد راهنمایی آنان به سوی نور و تعالی و تکامل، از معلمان انتظار دارند که:

۱. در هیچ شرایطی و به هیچ بهانه‌ای از مردم جدا نشوند و از هدایت آنان دست نکشند. (کلینی، ۱۴۰۱: ۲۸)
۲. دوستی کردن با مردم و خوبی به آنها (بدون در نظر گرفتن حال آنها) را بعد از ایمان به خدا، مهم‌ترین کار و بالاترین خردمندی بدانند. (شیخ صدوق، ۳۸۱: ۳۵)
۳. خود را خیرخواه مردم بدانند و با آنان یکرنگ باشند. (التمیمی، ۱۳۶۰: ۱۲۹۸)
۴. مردم را به کار خوب راهنمایی کنند. (کلینی، ۱۴۰۱: ۲۷)
۵. به عنوان حجت‌های خدا بر خلق فرود آیند و آنان را به دین خدا هدایت کرده، بدین طریق، مردم را از تفرقه و پراکندگی نجات دهند(کلینی، ۳۳۹: ۳۹۲) و از خطری که بر سر راهشان قرار دارد، بگذرانند. (طوسی، ۱۳۶۳: ۱۷۷)
۶. دعوتگر مردم به خیر و بازدارنده آنان از زشتی‌ها باشند(آل عمران: ۱۰۴) و با امر به معروف و نهی از منکر، جانشین خدا، جانشین کتاب او و جانشین پیامبر او در روی زمین باشند. (هندی، ۱۳۹۷: ۷۵)
۷. در هیچ حالی با بدکاران و گنهکاران سازش نکنند. (دستی، ۱۳۸۶: ۴۷؛ شیخ صدوق، ۱۳۶۱: ۳۴۴؛ طبرسی، ۱۴۱۸: ۱۰۴)

۱. آن رفتاری که دیگران از دارنده یک منزلت معین انتظار دارند(کوئن، ۱۳۸۰: ۵۷) و شامل رفتار، کردار یا کار و وظیفه‌ای است که یک شخص در داخل یک گروه به عهده می‌گیرد. (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۷۲۳)
۲. توقعات و انتظارات قرآن کریم و ائمه(ع) از معلمان.



۸. در زمان بدعتها، دانش خود را آشکار سازند. (کلینی، ۱۴۰۱: ۵۴؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۶۴)
۹. دشمنان (مخالقان) را اصلاح و با آنها مدارا کنند. (التمیمی، ۱۳۶۰: ۸۲۳۰ و ۸۰۴۳)
۱۰. مردم را از اختلاف پرهیز دهند. (طبرانی، ۱۴۱۵: ۳۷۰)
۱۱. با مردم به اندازه فهمشان سخن بگویند (انتقال مطلب به اندازه فهم و تحمل مردم) تا آنان را دچار فتنه و تکذیب خدا و پیامبر (ص) نکنند. (کلینی، ۱۴۰۱: ۲۳؛ هندی، ۱۳۹۷: ۲۴۲؛ همدانی، ۱۴۰۶: ۳۵۹؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۲؛ مغربی، ۱۳۸۹: ۶۰)
۱۲. برای ارتباط با مردم شیوه‌ها و روشهای مناسب را به کار گیرند. (فضاعی، ۴۵۴: ۲۸۵)
و در عین حال (در حالی که آیات و روایات از معلمان، انتظار نقش آفرینی در شرایط تهدید نرم دارند)، به خود آنها نیز توصیه می‌کنند که اولاً، به عنوان یک فرد و دوماً به عنوان معلم، از «خود» غافل نباشند. لذا برای آنکه معلمان بتوانند نقشهای پیش‌گفته را به اجرا درآورند، به آنان توصیه می‌کنند که می‌بایست خود نسبت به یک سری از موارد اقدام کنند (خودسازی یا تقویت خود)؛ از جمله:
 ۱. در زمان فتنه‌ها و آشوبها به قرآن کریم روی آورند. (کلینی، ۱۴۰۱: ۵۹۹)
 ۲. به جز خداوند از هیچ کس بیم و ترس نداشته باشند. (احزاب: ۳۹)
 ۳. در اجرای فرمان سستی نکنند. (برقی، ۱۴۱۳: ۱۸۱)
 ۴. فهم دقیق از دین حاصل کنند. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۱۶)
 ۵. همه‌سونگری و احاطه کامل به دین داشته باشند. (مصری، ۱۴۱۲: ۳۸۹)
 ۶. در هیچ حالی از دشمن غافل نمانند. (التمیمی، ۱۳۶۱: ۴۷۷۵)
 ۷. در برخورد با دشمن، مراقب توان و فرصت مناسب باشند. (همان: ۲۳۴۷)
 ۸. به آنچه می‌گویند، عمل کنند. (صف: ۳-۲؛ دشتی، ۱۳۸۹: ۱۲۹؛ شهید ثانی، ۱۴۱۵: ۱۳۷)
 ۹. از نارواها (محرمات) دوری کنند. (التمیمی، ۱۳۶۱: ۷۵۹۵)
 ۱۰. امور شبهه‌ناک را ترک کنند. (فراس، ۶۰۵: ۵۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۶۰)
 ۱۱. پیش از تعلیم دیگران، به تعلیم خود بپردازند و پیش از آنکه با زبانشان تربیت کنند، با رفتارشان تربیت کنند. (دشتی، ۱۳۸۹: ۷۳)
 ۱۲. دشمنی خود را به دشمنان بفهمانند.
 ۱۳. دین‌پژوهی کنند و به مردم هشدار دهند. (توبه: ۱۲۲؛ یوسف: ۱۰۸)
 ۱۴. شبهه‌ها را بشناسند و از آنها حذر کنند. (دشتی، ۱۳۸۹: ۳۸؛ حرانی، ۱۴۰۴: ۱۱۵؛ کلینی، ۱۴۰۱: ۲۷)

نتیجه‌گیری

با توجه به مجموع موارد ذکر شده (تعریف تهدید و نقش، نوع نگاه به عالم و انتظار از آنها و به اعتبار آگاهی و علم معلمان) و همچنین با در نظر گرفتن توقع و انتظار ویژه‌ای که از معلم وجود دارد؛ می‌توان نتیجه گرفت که از دیدگاه قرآن کریم و روایات ائمه معصومین (ع)، نقش معلمان در مقابله با تهدیدهای نرم عبارت است از:

ردیف	نوع نقش	استناد
۱	جدا نشدن از مردم (رفتن به داخل مردم) و دست نکشیدن از هدایت آنها به سمت خدا	حدیث قدسی به نقل از: کلینی، ۱۴۰۱: ۲۸.
۲	دوستی با مردم و خوبی به آنها بدون در نظر گرفتن حال آنها	رسول خدا(ص) به نقل از: شیخ صدوق، ۳۸۱: ۳۵.
۳	خیرخواهی و یکرنگی با مردم	امام علی(ع) به نقل از: التمیمی، ۱۳۶۰: ۱۲۹۸.
۴	راهنمایی مردم به کار خوب	رسول خدا(ص) به نقل از: کلینی، ۱۴۰۱: ۲۷.
۵	هدایت مردم (نجات آنان از تفرقه و پراکندگی) و گذراندن آنها از خطر	امام علی(ع) به نقل از: کلینی، ۳۹۲: ۳۳۹؛ رسول خدا(ص) و قائم آل محمد(عج) به نقل از: طوسی، ۱۳۶۳: ۱۷۷.
۶	دعوت مردم به خیر و و بازداشتن آنان از زشتی‌ها (ترک نکردن امر به معروف و نهی از منکر)	آل عمران: ۱۰۴؛ رسول خدا(ص) به نقل از: هندی، ۱۳۹۷: ۷۵.
۷	سازش نکردن با بدکاران و گنهکاران	امام علی(ع) به نقل از: دشتی، ۱۳۸۶: ۴۷؛ رسول خدا(ص) به نقل از: شیخ صدوق، ۱۳۶۱: ۳۴۴؛ امام باقر(ع) به نقل از: طبرسی، ۱۴۱۸: ۱۰۴.
۸	آشکار کردن دانش خود در زمان بدعتها	رسول خدا(ص) به نقل از: کلینی، ۱۴۰۱: ۵۴؛ امام صادق(ع) به نقل از: طوسی، ۱۴۱۱: ۶۴.
۹	اصلاح دشمن (مخالفان) و مدارا با آنها	امام علی(ع) به نقل از: التمیمی، ۱۳۶۰: ۸۲۳۰.
۱۰	پرهیز دادن مردم از اختلاف	رسول خدا(ص) به نقل از: طبرانی، ۱۴۱۵: ۳۷۰.
۱۱	انتقال مطلب به اندازه فهم و تحمل مردم	رسول خدا(ص) و امام علی(ع) به نقل از: کلینی، ۱۴۰۱: ۲۳؛ هندی، ۱۳۹۷: ۲۴۲؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۲؛ امام صادق(ع) به نقل از: مغربی، ۱۳۸۹: ۶۰.
۱۲	رعایت (به کارگیری) شیوه‌ها و روشهای مناسب ارتباطی	رسول خدا(ص) به نقل از: قضاعی، ۴۵۴: ۲۸۵.

طبق منطق قرآن کریم و فرمایشهای ائمه (ع)، آنکه معلمان بتوانند از عهده نقشهای خطیر مذکور در شرایط سخت تهدید نرم برآیند، خود نیازمند به حدی از قابلیت و توانمندی‌اند که می‌بایست با انجام اقدامات خودسازانه بدان دست یابد. لذا



بر اساس برای آیات قرآن کریم و قول ائمه معصومین (ع) الزامات (چگونگی) برآورده کردن نقشهای (انتظارات و توقعات) معلمان عبارتند از:

ردیف	عنوان	استناد
۱	تمسک به قرآن کریم در زمان فتنه	رسول خدا(ص) به نقل از: کلینی، ۱۴۰۱: ۵۹۹.
۲	نترسیدن از غیر خدا	احزاب: ۳۹
۳	سستی نکردن در اجرای فرمان	امام صادق(ع) به نقل از: برقی، ۱۴۱۳: ۱۸۱.
۴	فهم دقیق از دین	رسول خدا(ص) به نقل از: مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۱۶.
۵	همه‌سونگری و احاطه کامل به دین	رسول خدا(ص) به نقل از: مصری، ۱۴۱۲: ۳۸۹.
۶	غافل نماندن از دشمن	امام علی(ع) به نقل از: التمیمی، ۱۳۶۱: ۴۷۷۵.
۷	مراقبت از توان و فرصت در برخورد با دشمن	امام علی(ع) به نقل از: التمیمی، ۱۳۶۱: ۲۳۴۷.
۸	عمل کردن به آنچه می‌گویند	صف: ۳-۲؛ امام علی(ع) به نقل از: دشتی، ۱۳۸۹: ۱۲۹؛ رسول خدا(ص) به نقل از: شهید ثانی، ۱۴۱۵: ۱۳۷.
۹	دوری از ناروا (محرمات)	امام علی(ع) به نقل از: التمیمی، ۱۳۶۱: ۷۵۹۵.
۱۰	ترک امور شبهه‌ناک	رسول خدا(ص) به نقل از: فراس، ۶۰۵: ۵۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۶۰.
۱۱	پرداختن به تعلیم و تربیت خویش، پیش از دیگران (با رفتارشان تربیت کنند)	امام علی(ع) به نقل از: دشتی، ۱۳۸۹: ۷۳.
۱۲	فهماندن دشمنی خود به دشمنان	امام علی(ع) به نقل از: دشتی، ۱۳۸۹: ۷۳.
۱۳	دین‌پژوهی و هشدار به مردم	توبه: ۱۲۲؛ یوسف: ۱۰۸
۱۴	شبهه‌شناسی و حذر از آن	امام علی(ع) به نقل از: حرانی، ۱۴۰۴: ۱۱۵؛ کلینی، ۱۴۰۱: ۲۷.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه؛ ترجمه و شرح محمد دشتی (۱۳۸۶)، تهران، آدینه سبز، نامه ۲۶ و خطبه ۱۷۳.
۳. صحیفه سجادیه؛ ترجمه و نگارش الهی قمش‌های (۱۳۸۹)، قم، وحدت‌بخش.
۴. امام خمینی، سید روح‌الله و سیدعلی خامنه‌ای (۱۳۸۷)؛ به سوی نور، (لوح فشرده، نسخه دوم)، تهران، معاونت فرهنگی سپاه پاسداران، بنیاد قرآن و عترت.
۵. آراسته‌خو، محمد (۱۳۸۱)؛ نقد و نگرش بر فرهنگ اصطلاحات علمی اجتماعی، تهران، چاپخش.
۶. افتخاری، اصغر (۱۳۸۰)؛ کالبدشکافی تهدید، تهران، مرکز مطالعات دفاعی و امنیت ملی دانشگاه امام حسین (ع).
۷. اکبری، محمدرضا (۱۳۷۷)؛ سیمای بسیج، [بی‌جا]، پیام عترت.
۸. التیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۰)؛ غررالحکم و دررالکلم، تحقیق: محدث الارموی، جامعه طهران.
۹. برقی، احمد (۱۴۱۳ ق)؛ المحاسن، تحقیق: مهدی رجائی، قم، مجمع العالمی لاهل‌البیت (ع).
۱۰. بوزان، باری (۱۳۷۸)؛ مردم، دولتها و هراس، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۱. بیرو، آلن (۱۳۶۷)؛ فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران، کیهان.
۱۲. توسلی غلامعباس (۱۳۸۰)؛ نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران، سمت.
۱۳. حافظنیا، محمدرضا (۱۳۸۵)؛ مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران، سمت.
۱۴. حرانی، ابو محمد الحسن (۱۴۰۴ ق)؛ تحف‌العقول عن آل الرسول، تحقیق علی‌اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۵. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۶)؛ حدیث ولایت، مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۶. ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)؛ در آمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی، تهران، کیهان.
۱۷. سازمان بسیج دانشجویی (۱۳۸۷)؛ تحول و تعالی در بسیج دانشجویی، تهران، فرازاندیش سبز.
۱۸. سازمان بسیج دانشجویی (۱۳۸۸)؛ مجموعه تشکل نظم یافته، تهران، مرکز مطالعات و پژوهشهای سازمان بسیج دانشجویی.
۱۹. سازمان تحقیقات و مطالعات بسیج (۱۳۸۳)؛ مجموعه مقالات همایش علمی عزت و افتخار حسینی، فرهنگ و تفکر بسیجی، تهران، سازمان تحقیقات و مطالعات بسیج.
۲۰. شهید ثانی، زین‌الدین (۱۴۱۵ ق)؛ منیه المرید، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
۲۱. شیخ صدوق، ابوجعفر محمد (۳۸۱ ق)؛ عیون اخبار الرضا (ع)، تحقیق: مهدی حسینی لاجوردی، منشورات جهان طهران.





۲۲. شیخ صدوق، محمد (۱۳۶۱)؛ معانی الاخبار، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۳. طبرانی، ابوالقاسم (۱۴۱۵ ق)؛ المعجم الاوسط، تحقیق: طارق الحسینی، قاهره، دارالحرمین.
۲۴. طبرسی، ابوالفضل (۱۴۱۸ ق)؛ مشکاه الانوار فی غرر الاخبار، تحقیق: مهدی هوشمند، قم، دارالحديث.
۲۵. طوسی، محمد (۱۴۱۱ ق)؛ الغیبه، تحقیق: عبدالله تهرانی، مؤسسه المعارف الاسلامیه قم.
۲۶. عبدالله خانی، علی (۱۳۸۶)؛ تهدیدات امنیت ملی (شناخت و روش)، تهران، ابرار معاصر.
۲۷. فراس، ابوالحسین (۶۰۵ ق)؛ تنبیه الخواطر و نزهه النواظر، مجموعه ورام، بیروت، دار التعارف و دار صعب.
۲۸. قضای، محمد (۴۵۴ ق)؛ مسند الشهاب، قم، مؤسسه الرساله.
۲۹. قنادان، منصور و همکاران (۱۳۷۵)؛ جامعه شناسی (مفاهیم کلیدی)، تهران، آوای نور.
۳۰. کلینی، محمد (۱۴۰۱ ق)؛ الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری، بیروت، دار صعب و دارالتعارف.
۳۱. کوئن، بروس (۱۳۸۰)؛ درآمدی بر جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، فرهنگ معاصر.
۳۲. گروه مطالعاتی دانشکده امنیت ملی (۱۳۸۸)؛ تهدید نرم و راهبردهای مقابله، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.
۳۳. لوسانی، سید علی (۱۳۷۴)؛ شکوفه های سخن، تهران، منیر.
۳۴. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق)؛ بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، بیروت، الوفا.
۳۵. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۱)؛ حکمت نامه بسیج، قم، دارالحديث.
۳۶. مرادیان، محسن (۱۳۸۵)؛ درآمدی بر ابعاد و مظاهر تهدیدات، تهران، مرکز آموزشی و پژوهشی شهید صیاد شیرازی.
۳۷. مصری، ابوحنیفه (۱۴۱۲ ق)؛ شرح الاخبار فی فضائل الائمه الاطهار، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۳۸. مغربی، ابوحنیفه (۱۳۸۹)؛ دعائم الاسلام و ذکر الحلال والحرام والقضای والاحکام، تحقیق: علی اصغر فیضی، مصر، دارالمعارف.
۳۹. نای، جوزف (۱۳۸۳)؛ «قدرت نرم»، ترجمه محمود عسگری، مجله راهبرد دفاعی، ش ۴-۴.
۴۰. نیک گهر، عبدالحسین (۱۳۶۹)؛ مبانی جامعه شناسی، تهران، رایزن، چ دوم.
۴۱. همدانی، ابوشجاع (۱۴۰۶ ق)؛ الفردوس بمأثور الخطاب، تحقیق: سید بسیونی زغلول، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۴۲. هندی، علاء الدین (۱۳۹۷ ق)؛ کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، تصحیح: صوه السقا، بیروت، مکتب التراث الاسلامی.